

نقد قانون دیوان عدالت اداری از منظر اصول مشترک اخلاق اسلامی و آیین دادرسی

محسن کرد تمینی^۱ امیرحمزه سالار زایی^۲ نادر مختاری افراکتی^۳

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

^۲ استاد تمام گروه فقه و حقوق دادنشگاه سیستان و بلوچستان، ایران. نویسنده مسئول: m.kt2020@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه فقه و حقوق دادنشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.

نویسنده مسئول: m.kt2020@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

چکیده

حقوق و اخلاق هر دو یک هدف مشترک را دنبال می کنند و آن هدف چیزی جز کمال و سعادت انسانی نیست. اخلاق به عنوان یک نیروی فطری و غریزی می تواند نقش قابل توجهی در تکامل روند تقنین منصفانه داشته باشد، قانون دیوان عدالت اداری نیز از این قاعده مستثنی نیست. قانون دیوان عدالت اداری جهت حمایت از حقوق ارباب رجوع تدوین شده لذا با توجه به اصول اخلاقی که مبنای تقنین است می توان با بررسی اصول مشترک اخلاق اسلامی و آیین دادرسی پی به خلأهای قانونی در دیوان عدالت اداری برد. هدف از انجام تحقیق حاضر اثبات جایگاه والای اخلاق اسلامی در تقنین قانون دیوان عدالت اداری است که در این قانون کمتر مورد توجه مقنن بوده است. از این رو سؤال اصلی تحقیق عبارت می باشد از: قواعد دادرسی و اخلاق اسلامی در دیوان عدالت اداری از چه جایگاهی برخوردار است؟ برای پاسخ به این پرسش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بهره مند شده و به این نتیجه دست یافته ایم که قواعد دادرسی ریشه در قواعد اخلاقی داشته و متأسفانه کم توجهی مقنن به قواعد اخلاقی منجر به بروز خلأهای متعددی در قانون دیوان عدالت اداری شده لذا توجه به قواعد اخلاقی به عنوان منبع مقنن می تواند راهکار مناسبی جهت تقنین منصفانه و عادلانه باشد.

کلیدواژه: قواعد دادرسی، اخلاق، دیوان عدالت اداری، دادرسی عادلانه

مقدمه

حقوق و فضایل اخلاقی تشابه نسبی ای دارند و هدف مشترکی را دنبال می کنند. هر دو در پی سعادت و کمال انسان هستند منتها کمیت و کیفیت آنها در تحقق این اهداف، متفاوت می باشد و نحوه عملکرد آنها باهم تفاوت داشت و این فضایل اخلاق می باشد که به حقوق جهت و خط مشی می دهد.

اگرچه حقوقدانان فضایل اخلاق را به عنوان یک منبع مستقل در عرض سایر منابع، بشمار نمی آورند، اما فضایل اخلاق را سرلوحه کار خود قرار می دهند و به طور ضمنی آن را ملاک قانون گذاری می دانند.

بیان مسئله؛ اگر قانونی وضع شود که فاقد رنگ و بوی فضایل اخلاقی گردد یا حتی ضد ارزش های فضایل اخلاقی و معنوی گردد محال می باشد که مورد پذیرش افراد جامعه قرار گیرد لذا مقنن برای اینکه بتواند قانونی را وضع کند که با استقبال مردم روبرو شود، مجبور می باشد که فضایل اخلاق را ملاک این قانون قرار دهد.

هدف از اجرای تحقیق حاضر این است که اهمیت فضایل اخلاق را در تقنین نمایان سازیم و مقاله حاضر نیز با این هدف به رشته تحریر درآمده تا جای خالی فضایل اخلاق و اهمیت آن را در قانون عدالت اداری نشان دهد.

از این روی می توانیم سؤال اصلی تحقیق خود را بدین نحو مطرح نماییم: کدامیک از قواعد و مبانی فضایل اخلاقی که در قانون دیوان عدالت اداری مغفول واقع شده؟ رعایت قواعد فضایل اخلاقی چه تأثیری بر اقبال این قانون در بین افراد جامعه دارد؟

پیشینه تحقیق؛ در خصوص قانون دیوان عدالت اداری تحقیقات متعددی انجام شده است اما در هیچ یک از آنها توجهی به جایگاه اخلاق اسلامی در تدوین این قانون نشده است که در تحقیق حاضر به این مهم پرداخته شده است. مهم تر آنها عبارتند از:

*تفسیر قضایی قانون اساسی در پرتو اصول حاکم بر حقوق اداری با تأکید بر رویه دیوان عدالت اداری، نویسنده: بابایی مهر، علی؛ کیوانی فر، مزگان؛ نویسنده مسئول: فروغی نیا، حسین؛ مجله: حقوق اداری «پاییز ۱۴۰۰ - شماره ۲۸ صفحه - از ۳۵ تا ۵۲»

*استناد به اصول حقوقی در آرای دیوان عدالت اداری، نویسنده: آقای طوق، مسلم؛ نویسنده مسئول: مردانی، سجاد؛ مجله: پژوهش‌های نوین حقوق اداری «بهار ۱۴۰۰ - شماره ۶ صفحه - از ۱۶۱ تا ۱۸۶»

*سازوکار و کیفیت استناد به «سیاست‌های کلی نظام» در دیوان عدالت اداری، نویسنده مسئول: بکشلو، رضا؛ نویسنده: طحان‌نظیف، هادی؛ مجله: پژوهشنامه حقوق اسلامی «بهار و تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۵۳ صفحه - از ۲۱۱ تا ۲۴۴»

تعریف فضایل اخلاق

واژه فضایل اخلاق از خُلق به معنای خوی و سرشت است؛ چنان‌که در مصباح‌المنیر آمده است: «الْخُلُقُ بضمّ التین السجیه: (فیومی ۱۴۰۵: ۸۸) خُلق (با دو ضمه) به معنی سرشت می‌باشد و علمای فضایل اخلاق هم تعریفی که در اصطلاح برای خلق و فضایل اخلاق کرده‌اند، قریب به معنایی می‌باشد که اهل لغت نموده‌اند. ابوعلی مسکویه در این باره می‌گوید: «خلق حالی می‌باشد برای جان انسانی که او را بدون فکر و تأمل به سوی کارهایی برمی‌انگیزد.» (ابن مسکویه، ۱۳۷۵ق: ۵۱)

از بحث لغوی که بگذریم، فضایل اخلاق را علم دانسته‌اند. مرحوم نراقی در تعریف «علم فضایل اخلاق» می‌گوید: علم فضایل اخلاق دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک‌کننده می‌باشد. (نراقی، ۱۳۶۳، ج ۱: صص ۳۵-۳۴)

جایگاه فضایل اخلاق در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

عدالت توزیعی

بعضی معتقد اند هرچه در راستای نظم طبیعی باشد، درست و عادلانه است. حقوق هم از این قاعده بیرون نیست و مبنای آن در مشاهده موجودات و اجتماع‌های گوناگون است. پس، از ملاحظه «آنچه هست» می‌توان به جوهر «آنچه باید باشد» دست یافت. (افلاطون، ۱۳۹۶، ص ۳۸)

ارسطو عدالت را به معاوضی و توزیعی تقسیم می‌نماید؛ مقصود از عدالت معاوضی، تعادل میان دو عوض در معامله است، به گونه‌ای که یکی از دو طرف قرارداد نتواند به بهای فقر دیگری ثروتمند شود یا هر دو عوض را به دست آورد. این مفهوم عدالت خود به خود در قرارداد به دست می‌آید، ولی ضمانت اجرای آن جبران زیان می‌باشد که زیان دیده را به وضع متعادل بازگرداند و برابری را تأمین نماید. برعکس، عدالت توزیعی، مربوط به تقسیم ثروت و مناصب اجتماعی می‌باشد و ناظر به زندگی عمومی و نقش دولت است. (به نقل از کاتوزیان، ۱۳۹۵، ش ۲۳ و ۲۷)

بنابراین عدالت توزیعی اصلی فضایل اخلاقی می‌باشد و بر این امر دلالت داشت که حکومت و مدیران دولتی باید در تقسیم امکانات و مزایا، خیرات سیاسی و اقتصادی میان شهروندان از چه ملاکی پیروی نمایند. (کاپلستون، ۱۳۸۶، ج ۱، ۳۹۱)

اساس ۳۶ قانون اساسی نیز مقرر شده: «همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند».

به‌موجب ماده ۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، «دیوان در تهران مستقر می‌باشد و متشکل از شعب بدوی، تجدیدنظر، هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی است. تشکیلات قضایی، اداری و تعداد شعب دیوان با تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود».

همان‌طور که قبلاً اشاره شد عدالت توزیعی به معنای تساوی اقشار و اصناف جامعه در بهره‌مندی از امکانات دولتی است، اینکه تشکیلات دیوان عدالت اداری در تهران مستقر گردد و شهرستان‌ها فاقد چنین نهادی باشند مصداق بارز نقض عدالت توزیعی می‌باشد چراکه دادخواهی از این تشکیلات برای اهالی شهرستان‌ها مستوجب هزینه و بعد مسافت و صرف زمان و ... است.

جهت رفع این مشکل قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان در ماده ۶ مقرر داشته: «به منظور تسهیل در دسترسی مردم به خدمات دیوان، دفاتر اداری دیوان در محل دادگستری یا دفاتر بازرسی کل کشور در هر یک از مراکز استان‌ها تأسیس می‌گردد».

اما جنین اقدامی نمی‌تواند مشکل مذکور را رفع نماید، چراکه دفاتر اداری دادگاه صالحی برای حل و فصل منصفانه دعوی محسوب نمی‌شوند و ضمانت اجرایی ضعیف‌تری نسبت به دیوان دارند و غالباً هم موجب رضایت و طیب خاطر شاکی نبوده و لاجرم شاکی شکایت خود را به دیوان می‌فرستد و قفه نیز به نوعی تضییع حق شاکی می‌گردد.

۲.۲. برابری و رفع تبعیض

عدالت و بی تبعیضی از جمله مباحث مهم فضایل اخلاقی بوده که از دیر باز مورد توجه علمای فضایل اخلاق قرار داشته و جوهر عدالت در دنیای کنونی را «برابری» دانسته‌اند. اجرای عادلانه قانون بدین معنی می‌باشد که درباره غنی و فقیر و وضع و شریف و در هر موقعیتی یکسان اجرا شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۷)

عدالت و برابری به عنوان یک اساس فضایل اخلاقی مهم ایجاب می‌نماید، افراد جامعه دسترسی برابر به نظام عدالت اداری داشته باشند و این مراجع نباید به روش تبعیض‌آمیز عمل کنند. برابری در برابر قانون مستلزم این می‌باشد که همه اشخاص خصوصی به دادگاه یا دیوان، فارغ از مالکیت دعوی دسترسی برابر داشته باشند و اینکه با آنها در سراسر دادرسی بدون تبعیض رفتار شود. سازمان یا دادگاه‌ها باید در موضوعاتی که دارای شرایط قانونی و واقعی همسان هستند، تصمیمات همسان (و در موضوعات دارای شرایط قانونی و واقعی متفاوت، تصمیمات متفاوت) صرف‌نظر از جنسیت، سن، نژاد، رنگ پوست، زبان، اعتقادات مذهبی، دیدگاه سیاسی و سایر دیدگاه‌ها، منشاء اجتماعی، ملیت، وضعیت آموزشی، اجتماعی و مالی، اشتغال و سایر وضعیت‌های مربوط به مشارکت در آیین‌های اداری، اتخاذ نمایند (همتی و شریفی، ۱۳۹۳: ۲۶). این امر به‌طور غیرمستقیم و ناکافی، در قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته؛ با این حال مقنن در قانون دیوان عدالت اداری نه تنها اقدام به وضع موازین شفاف و روشن ننموده بلکه احساس نیازی به بیان و تشریح این موضوع ننموده است. این بی‌توجهی به اساس برابری در رویه دیوان نیز مشهود می‌باشد برای نمونه می‌توان به رأی شماره ۵۱۴، مورخ ۹۱/۷/۲۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری اشاره کرد.

در رأی مذکور دیوان نسبت به تبعیض ناروا سکوت کرده می‌باشد و این سکوت ناشی از عدم توجه قانون‌گذار در قانون دیوان عدالت اداری به اساس برابری بوده.

۲.۳. اساس برابری سلاح

تأکید بر احسان به فقرا تا حدی در فرامین دینی مشهود بوده که آن را عملی واجب جلوه می‌دهد چنانکه گفته شده: احسان به فقیران تنها عملی ناشی از لطف و شفقت احسان کننده نیست؛ بلکه وظیفه‌ای می‌باشد که هر فرد باید آن را انجام دهد. با صدقه دادن، او نه تنها نیکوکاری می‌نماید، بلکه عملی عادلانه هم انجام می‌دهد. همه مایملک آدم و امی می‌باشد که از طرف آفریدگار عالم هستی، که جهان و هر چه در آن می‌باشد به او تعلق دارد، به وی داده شده و شخص به وسیله خیرات و احسان، عطایای خداوند را به نحو منصفانه میان ابنای انسان تقسیم می‌نماید. (علی‌خانی، ۱۳۸۹، ۸۵)

یکی از آسیب‌های نظام عدالت اداری ایران، عدم شناسایی قانونی امکان طرح دعوی از طرف مراجع دولتی علیه اشخاص نزد دادگاه‌های اداری می‌باشد که مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی اشخاص حقوقی حقوق عمومی علیه اشخاص خصوصی، دادگاه‌های عمومی دادگستری می‌باشد و همین امر اولاً موجبات صدور احکام متفاوت در حوزه‌های مشابه می‌شود؛ دادگاه‌های عمومی نمی‌توانند همانند دادگاه‌های اداری حافظ منافع عمومی به دلیل عدم شناخت اداره و اقتضائات امر عمومی و مدیریت عمومی و نیز عدم تأمین بهتر اساس حاکمیت قانون به دلیل عدم آشنایی دقیق آنها با وظایف و اختیارات مقامات و نهادهای عمومی باشند.

در فقه و فضایل اخلاق اسلامی، اساس برابری امکانات دفاعی شناخته شده است، برای نمونه روایت معروفی می‌باشد که حتماً آن را شنیده اید؛ مبنی بر اینکه فردی از حضرت علی (ع) شکایت می‌نماید و قاضی در محکمه آن حضرت را با لقب «ابالحسن» خطاب می‌کرده، اما شاکی را با نام ساده مورد خطاب قرار می‌داد و امام به این نابرابری اعتراض کرد. (هاشمی، ۱۳۹۵، ۲۶) داشتن وکیل رایگان مشابه حق داشتن وکیل می‌باشد اما این حق برای افراد فقیر قابل دسترس می‌باشد تا تضمین نماید که آنها حق نمایندگی حقوقی و مشاوره در دادگاه را خواهند داشت (همتی، ۱۳۹۳: ۱۴۶). انکار معاضدت حقوقی می‌تواند به منزله انکار عدالت نگریسته شود. مشخصه بسیاری از دولت‌ها، تأمین وکلای مدافع با هزینه دولت یا در واقع نظام معاضدت حقوقی می‌باشد که به وسیله آن افرادی که به علت عدم (فقدان) تأمین هزینه از نمایندگی حقوقی محروم می‌شوند، در این مورد از کمک دولت برخوردار شوند (اسمیت، ۱۳۸۸: ۳۲۳).

هر چند به موجب اساس ۳۵ قانون اساسی، امکان فراهم شدن امکانات تعیین وکیل برای افراد فاقد توان مالی مقرر شده می‌باشد اما یکی از خلأهای اساسی در حوزه دادرسی اداری ایران، عدم پیش‌بینی وکیل معاضدتی و مشاوره حقوقی رایگان در این حوزه است.

از آنجایی که مراجع شبه قضایی و نهادهای اداری بعضاً تصمیماتی را اتخاذ می‌نمایند

که دارای آثار و پیامدهای مهم در زندگی افراد می‌گردد و افراد در مقام شکایت به دلیل عدم آشنایی فردی با قواعد و ضوابط دادرسی اداری و نیز عدم توان مالی کافی برای گرفتن وکیل خصوصی، بعد از مدت‌ها انتظار برای رسیدن وقت رسیدگی، دادخواست او رد می‌شود.

لذا پیش‌بینی وکلای معاضدتی و نظارت بر کار و عملکرد آنها در این حوزه از لوازم اساسی دادرسی منصفانه است.

در این راستا شعبات دیوان نیز می‌توانند فهرست پرونده‌هایی که نیازمند خدمات حقوقی رایگان هستند را اعلام کند تا وکلا به شرکت در گروه خدمات معاضدت حقوقی رایگان به‌عنوان شرط عضویت در کانون وکلا ملزم شوند (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

بنابراین مراجعین دیوان که عموماً افراد عادی هستند نمی‌توانند در مقابل ادارات دولتی یا کارمندان دولتی که بعضاً هم صاحب نفوذ و قدرت هستند از حقوق خود دفاع کنند این خلأ نماد نابرابری در سلاح و امکانات طرفین دعوا می‌باشد

۲.۴. اساس لزوم پذیرش شکایت و حق دادخواهی

اساس لزوم پذیرش شکایت شاکی را می‌توان از مواد مختلفی از قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به دست آورد مانند ماده ۳۷ این قانون: ضابطان دادگستری موظف‌اند شکایت کتبی یا شفاهی را همه‌وقت قبول نمایند.

اساس ۳۶ قانون اساسی جمهوری شرعی ایران در این مورد می‌گوید: دادخواهی حق مسلم هر فرد می‌باشد و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را داشت منع کرد.

بنابراین، ظلم اقویا ضد فضایل اخلاقی نیست و آنچه نیکسون در ویتنام یا خاورمیانه انجام می‌دهد ضد فضایل اخلاق نیست، چون همه حساب‌هایش را کرده، می‌داند که زورش خیلی زیاد می‌باشد و هر چه بخواهد ببرد و بدزدد، نیرویی که بتواند منافع او را پایمال بکند وجود نداشت وقتی که فضایل اخلاق عبارت شد از منفعت جویی هوشیارانه، این منفعت‌جویی هوشیارانه، برای ضعیف و برای کسی که نیرویش با دیگران متساوی می‌باشد یک جور است، ولی برای قوی جور دیگری می‌باشد قوی اگر مطمئن شد که ضعیف نمی‌تواند عکس‌العملی علیه او انجام بدهد، هر ظلمی که بکند، عملش فضایل اخلاقی می‌باشد و ضد فضایل اخلاقی نیست، چون یک منفعت‌جویی هوشیارانه و حساب شده است، از نظر جناب راسل کار ضد فضایل اخلاقی انجام نداده (مطهری، ۱۳۷۲، ۲۲۱).

در نتیجه مسلط نمودن افراد جامعه بر یکدیگر با مبانی فضایل اخلاق اسلامی سازگار نبوده و ظلم از هر کس که حادث شود مورد نقد توجیه پذیر نبوده و از ماهیت ظالمانه آن نمی‌تواند کاهد چه این فعل ظالمانه از قوی بر ضعیف اعمال شود چه از طلبکار بر مدیون و ... گردد فرقی نمی‌نماید.

بنابراین اساس دادخواهی و پذیرش تظلم خواهی در فضایل اخلاق و حقوق پذیرفته شده می‌باشد اما متأسفانه در قانون دیوان عدالت اداری ما این اساس مغفول افتاده می‌باشد برای نمونه:

بنابر ماده ۴۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری هرگاه خواهان جهت توضیحات دعوت شود به شعبه دیوان اما اعتنایی به این دعوت نکند و جهت ارائه توضیحات حضور در محکمه پیدا نکند قاضی می‌تواند قرار ابطال دادخواست را صادر نماید. همین امکان احضار خود در تعارض با غیرحضور بودن روند دادرسی در دیوان می‌باشد که خود در ایرادی انکار ناشدنی می‌باشد از طرفی ضمیمه را جهت تزییع حقوق شهروندان فراهم می‌نماید چراکه قاضی می‌تواند در دعوی کم اهمیت که موضوع دعوا ارزش مالی کمی داشت فرد را با بهانه توضیح دعوت به حضور در شعبه نماید تا بدین واسطه بهانه‌ای برای ابطال دادخواست داشته باشد چراکه با توجه به بالا بودن هزینه‌ایاب و ذهاب و اقامت شهروندان شهرستانی جهت حضور در تهران به ناچار از حق خود منصرف می‌شوند. نمونه آن برای خود بنده پیش آمد که از شهرداری بابت استنکاف از لکه‌گیری کوچه شکایت نمودم و شعبه دیوان من را جهت توضیحات احضار نمود و با توجه به بالاتر بودن هزینه‌ایاب ذهاب و اقامت و ... از حضور در شعبه منصرف شدم.

نمونه دیگر نقض اساس لزوم پذیرش شکایت و حق دادخواهی بنابر ماده ۸۰ و ۸۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری هرگاه دادخواست ابطال مصوبه فاقد شرایط شکلی مانند تعیین مشخصات دادخواست دهنده موجب رد آن می‌شود در حالیکه فرد دادخواست دهنده با نیت خیر خواهانه و حفاظت از حقوق عمومی این جسارت و ایثار را داشته که اقدام به تظلم خواهی نماید و گزارش مفسده‌ای یا نقیصه‌ای را بدهد اما مقنن با این تقنین ناعادلانه مانعی بر سر راه تظلم خواهی او شده است.

نمونه دیگر نقض اساس لزوم پذیرش شکایت و حق دادخواهی مطالبه هزینه جهت اقامه دعوا در دیوان است چراکه این شکایت مصداق بارز گزارش از تخلفات و تعدیات ادارات و کارمندان دولتی می‌باشد که رسیدگی به آن موجب حفاظت از حق عمومی و بیت المال می‌باشد لذا پسندیده می‌باشد با توجه به جنبه عمومی این تظلم خواهی هزینه‌ای بر شهروندان تحمیل نشود

۲.۵. اساس تسریع در رسیدگی

در فضایل اخلاق اسلامی مسارعت در امور خیر مورد تأکید بوده چنانکه قرآن مجید در آیات متعددی، مؤمنان را با مسارعت در خیرات دعوت می‌کند، از جمله در آیه ۱۱۴ سوره آل عمران در توصیف جمعی از مؤمنان راستین می‌فرماید: ... و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصّالحین... آنها کسانی هستند که در انجام کارهای نیک سرعت کرده و بر یکدیگر پیشی می‌گیرند و آنها از صالح هستند.

و در آیه سوره مؤمنون، در شرح صفات برجسته مؤمنان آمده است: ((اولئک یسارعون فی الخیرات و هم لها سابقون؛ آنها در کارهای نیک به سرعت اقدام می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند.

در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران، این مسئله به عنوان یک دستور عام خطاب به همه مؤمنان آمده است: و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنه عرضها السماوات و الأرض اعدت للمتّقین؛ شتاب کنید و پیشی بگیرید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان، در رسیدن به بهشتی که وسعت آن به اندازه آسمانها و زمین می‌باشد که برای پرهیزکاران آماده شده است.

بدیهی می‌باشد مسارعت در خیرات با مسابقه در خیرات، هر دو اشاره به یک حقیقت داشت و در واقع لازم و ملزوم یکدیگرند؛ زیرا، سبقت جستن بدون سرعت در عمل، امکان پذیر نیست و هر کس سریعتر راه را سوی مقصود ببیماید، بی شک زودتر به مقصود می‌رسد.

مربیان فضایل اخلاق و سلوک، مهم‌ترین امر از ضروریات مورد توجه سالک راه، مسارعت می‌دانند؛ یعنی در آنچه از وظایف را که البته پس از بررسی دقیق و بدون عجله در تشخیص برای خود تکلیف یافت و بر آن عزم نمود، در انجام دادن آن بشتابد قبل از آنکه شیطان مجال وسوسه یابد. (سید بحر العلوم؛ ۱۴۱۸ ق، ص ۱۵۲).

یکی از امور حسنه و خیر اصلاح بین مسلمین و رفع تخاصم و دادرسی می‌باشد چنانچه علمای فضایل اخلاق معتقد اند:

دادرسی و میانجیگری میان مردم برای فیصله دادن نزاع می‌باشد که لازم می‌باشد امنیت مردم به وسیله آن حفظ شوند و در حدود آن متوقف شوند تا نزاع بسیار نشود. (الفیض، ج ۶، ص ۴۸)

حقوقدانان نیز معتقد اند که تردیدی نیست که هدف اصلی دادرسی کشف حقیقت و فصل خصومت است. (امامی؛ دریائی و کربلائی آقازاده، ۱۳۹۲، ۷)

قضات، حکمیت و داوری در میان مردم، به عنوان یکی از مصداق‌های اصلاح میان مردم، از قواعد مهم در یک حکومت کارآمد به حساب می‌آید. از وظایف پیامبران الهی در قرآن، برپا کردن صلح و سازش در میان مردم جامعه می‌باشد که در آیه ۱۰ سوره حجرات چنین فرموده‌اند: *أَتَمَّا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةً فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ* (همانا مؤمنان برادر یکدیگرند، پس میان برادران خود اصلاح کنید و از خدا پروا نمائید، شاید مورد رحمت او قرار بگیرید) دادرسی در زمان معقول و رعایت مهلت منطقی در دادرسی چندان مورد توجه نظام‌های حقوقی نبوده؛ درحالی‌که این مهم نقش بارزی در تحقق عدالت و احقاق کامل حق دارد. (یاوری، ۱۳۹۳: ۲۲۶). دادرسی به موقع تضمین اساسی برای حمایت از طرفین دعوا نسبت به اطلاع دادرسی می‌گردد که ممکن است هم به اثربخشی و هم به اعتبار دادگاه‌ها لطمه بزند. باید منابع بودجه‌ای کافی به اجرای عدالت تخصیص یابد.

اطاله دادرسی می‌تواند نقض حق دادرسی منصفانه را ایجاد نماید. کل دوره زمانی دادرسی باید در زمان تعیین اینکه آیا زمان سپری شدن معقول بوده می‌باشد یا نه مدنظر قرار گیرد. این دوره زمانی همچنین به فرایندهای مربوط به اجرای تصمیمات نیز تسری می‌یابد.

روند دادرسی در دیوان به صورت غیرحضور می‌باشد از طرفی شاکی باید مدتی در نوبت دادرسی قرارگیری و بعد از آن باید نظر طرف دیگر دعوا را جویا شد و سپس بر اساس این دو حکم نمود این روند دادرسی بعضاً بیش از دوسال طول می‌کشد.

از طرفی نیز حجم زیاد پرونده‌ها و کمبود نیروی انسانی و همچنین پیچیدگی دعاوی اداری موجب اطاله دادرسی شده از این حیث مغایر با قواعد فضایل اخلاقی می‌باشد چراکه اطاله دادرسی به معنای تاخیر انداختن در برقراری صلح و سازش بین مسلمین می‌باشد که مورد تأکید علمای فضایل اخلاق بوده است.

۲.۶. اساس علنی بودن دادرسی

در نظام حقوقی ایران نیز، اساس بر علنی بودن دادرسی می‌باشد و اختیار غیر علنی شدن به اصحاب یا دادستان داده شده مانند ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی لذا علنی بودن دادرسی به منزله مؤلفه‌ای مترقی و بنیادین در دو اساس ۱۹۵ و ۱۹ قانون اساسی و ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی امور کیفری نیز پیش بینی شده که این امر حاکی از توجه قانون‌گذار ایرانی به اهمیت و تأثیر اساس مزبور در تضمین حق‌ها و امنیت قضائی افراد است.

امام علی علیه سلام به شریح قاضی نیز دستور داد چنین کند، چون شنیده بود که شریح در خانه خود قضاوت می‌کند، فرمود:

یا شریح اجلس فی المسجد فانه انصاف بین الناس انه وهن بالقاضی ان یجلس فی بیته (۲۲)، ای شریح، (برای قضاوت) در مسجد بنشین، این میان مردم عادلانه‌تر است، برای قاضی سبک می‌باشد که در خانه‌اش قضاوت کند.

تهمت و سوءظن از مذموم‌ترین ردایل فضایل اخلاقی می‌باشد که در بسیار از مکاتب فضایل اخلاقی به پرهیز از آن توصیه شده در فضایل اخلاق اسلامی علاوه بر اجتناب از تهمت و سوءظن از قرارگرفتن در مواضع و موقعیتی که منجر به سوءظن می‌شود نیز تأکید شده است. چنانکه امام علی (ع) فرمود: «مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ - فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ» «کسی که خود را در معرض اتهام و بدگمانی قرار دهد نباید آن کس را که به او گمان بد برد، سرزنش نماید». زیرا او خود باعث شده تا به او گمان بد برند. و سرزنش به کسی که گمان بد به وی برده می‌باشد معنی ندارد، زیرا بدگمانی او مستند به قرینه‌ای می‌باشد که زمینه به وجود آمدن چنین گمانی است. (ابن میثم، ۱۳۹۰ ج ۵: ۵۶۳)

قاضی باید وظایف قضایی خودش را بدون ترجیح، جانب‌داری یا تبعیض انجام دهد. اگر قاضی جانب‌دار به نظر آید، اعتماد عمومی به قوه قضائیه زایل می‌شود. از این رو قاضی بایستی از هر کاری که القاء می‌کند، تصمیم وی ممکن می‌باشد تحت تأثیر عوامل بیرونی از قبیل رابطه شخصی قاضی با یک طرف یا ذینفع بودن در نتیجه دعوا، قرار گیرد، اجتناب نماید. به عنوان تمهیدی برای جلوگیری از خروج قاضی از بی‌طرفی شامل فرایند دادرسی، صدور حکم و اجرا است. عمده حمایت قانونی جهت رعایت این اصل، پیش بینی موارد رد دادرسی در قوانین آیین دادرسی (فصل هشتم (رد دادرسی) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی) (همتی و داودی، ۱۳۹۶: ۲۹۹) در این چارچوب علی‌الخصوص باید مطمئن شد که در آئین دادرسی از بروز شرایطی که انجام پی در پی وظایف مختلف را در طی یک دادرسی یا در دادرسی‌های مختلف ایجاد کرده و می‌تواند به‌طور عینی در مورد بی‌طرفی دادرسی شک و تردید ایجاد کند، اجتناب گردد (ساکوچی، ۱۳۸۲: ۲۶) اجرای عدالت بایستی مشاهده شود بنابراین تمام فرایند قضایی باید علنی گردد (اسمیت، ۱۳۸۸: ۳۲۳) تا قضاوت از اعمال اغراض شخصی و تضییع حقوق خودداری کنند. (بوشهری، ۱۳۷۶: ۵۳). یکی از ادله این قاعده یک نظریه روانشناسی می‌باشد که مدعی می‌باشد آن چیزی در ذهن آدم خوب می‌نشیند که خوب و واضح بیان می‌شود (شمس، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۰۵).

اساس ۱۶۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی گردد که بر اساس آن حکم صادر شده است». حکم این ماده عمومیت داشته و ناظر و حاکم بر کلیه قوانین بوده. ذکر جهات و دلایل در رای به طرفین دعوی این امکان را می‌دهد که بر صحت حکم صادره نظارت کنند و قضاوت نیز دقت بیشتر دادرسی نمایند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۱۳).

از آنجایی که روند رسیدگی به دعاوی در دیوان عدالت اداری غیر حضوری می‌باشد به تبع غیر علنی هم برگزار خواهد شد.

لذا همین امر زمینه را جهت اتهام و سوءظن به دادرسان دیوان فراهم می‌نماید درحالی که می‌توان با شفاهی نمودن دادرسی بر روی این ظنون خط بطلان کشید و زمینه دادرسی عادلانه و مستدلی را فراهم نمود که موافق با قواعد فضایل اخلاقی باشد.

۲.۷. اساس تناظر و اساس حضوری بودن دادرسی

برخی افراد، ظاهر بین و سریع القضاوه هستند؛ یعنی به محض مشاهده ظاهر کسی یا چیزی، بلافاصله در مورد خوب یا بد بودن آن قضاوت می‌کنند. این حالت سطحی نگری نه تنها در شأن مؤمن نیست، بلکه حتی در شان یک فرد عاقل نیز نمی‌باشد. قضاوت آدم عاقل باید مبتنی بر تحقیق و دوراندیشی باشد؛ صرف داشتن ظاهر فریبنده و یا یک رفتار خوب یا بد نباید مبنای قضاوت آدم قرار گیرد. اما متأسفانه بسیاری از مردم این‌گونه هستند؛ یعنی منشأ قضاوت آن‌ها را همین ادراکات سطحی و ابتدایی تشکیل می‌دهد. از این رو، در بسیاری از موارد با قضاوت‌های نادرست، دام‌های شیطان می‌افتند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۱)

استماع به دخالت و مشارکت طرفین و افراد مخاطب تصمیم، در فرآیند اداری اشاره داد. در حقیقت، «استماع یا شنیدن» روشی می‌باشد برای مشارکت، دخالت، توانایی ارائه پرونده و دیدگاه‌ها از طریق ارائه دلایل و استدلال‌ها و توانایی پاسخ دادن به استدلال‌های معارض. روش‌هایی که افراد می‌توانند از طریق آن‌ها استماع شوند بسیار متنوع است. در رسمی‌ترین شکل به صورت شفاهی برگزار می‌گردد و در مفهوم حداقلی آن نیز ممکن می‌باشد با یک نوشته‌ی مکتوب محقق شود. نکته‌ی اصلی آن می‌باشد که مفهوم استماع مفهومی منعطف می‌باشد و این توان را داشت که با طیف متنوعی از اشکال آیینی و رویه‌ای ساخته و پرداخته شود. (همتی، ۱۳۹۶، ۲۵۶)

اخذ هرگونه توضیحی از یک طرف دعوا فی‌الجمله در حقوق و منافع طرف مقابل و سرنوشت دعوا مؤثر است. لذا، در هر موردی که شعبه دیوان به اخذ توضیحاتی از یک طرف دعوا نیاز داشته باشد، باید مقتضیات اساس تناظر در این خصوص مراعات گردد؛ به نحوی که یا اخذ توضیح در قالب برگزاری جلسه و با دعوت قبلی طرفین دعوا گردد یا اینکه مفاد توضیحات ارائه شده از جانب یک طرف برای طرف مقابل ارسال شده و در این خصوص به وی فرصت پاسخگویی به صورت کتبی داده شود. (حیدری، ۱۳۹۶، ۱۰۳)

با این اوصاف نظارت از طریق شکایت و گزارش مردمی هم به ارزیابی عملکرد کمک می‌کند و هم موارد تخلف را می‌تواند آشکار سازد و از این جهت ابزاری برای نظارت سلسله مراتبی می‌باشد که مدیران بالادست را از نحوه عمل و تصمیم کارمندان خود آگاه می‌کند. مقنن نیز در قانون مدیریت خدمات کشوری رضایت ارباب رجوع را یکی از مصادیق عملکرد مطلوب و موجب ارتقاء شغلی دانسته می‌باشد (ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری). (امامی و دهقان، ۱۳۹۲، ۱۴)

اساس رفتار منصفانه ایجاب می‌نماید که اگر تصمیم یا اقدام یک مقام اجرایی قابلیت لطمه زدن به منافع مردم یا گروهی از ایشان را داشته باشد، وی مبانی و دلایل تصمیم خود را به صورت واضح بیان نماید تا اشخاص متأثر از تصمیم قادر باشند چنین تصمیمی را در معرض نقد قرار داده و از آن به مراجع ذیصلاح شکایت نمایند (زارعی، ۱۳۷۶، ۳۸). وضعیت حق استماع شدن در فرآیند تصمیم‌گیری اداری در ایران به مراتب ضعیف‌تر از وضعیت آن در دادرسی مراجع اختصاصی اداری است. این وضعیت موجب شده تا تصمیمات مهم اداری بدون اطلاع و مشارکت نمایندگان گروه‌های ذینفع اتخاذ گردد (فلاح زاده، ۱۳۹۲: ۱۳۹۹). خلأ ناشی از فقدان حق استماع شدن در زمینه آیین تصمیم‌گیری اداری در رویه دیوان عدالت اداری هم مورد توجه کافی قرار نگرفته و نظارت قضایی در این خصوص وجود نداشت. بر این اساس، فقدان حق استماع شدن به عنوان یک اساس در عرصه تصمیم‌گیری اداری یکی از کاستیهای بزرگ در حقوق اداری ایران محسوب می‌گردد (همان، ۲۰۳-۲۰۱)

در لزوم تناظری بودن دادرسی نزد شعب دیوان عدالت اداری تردیدی نیست لیکن با عنایت به ترکیب هیئت عمومی دیوان، صلاحیت انحصاری این هیئت در ابطال آیین‌نامه‌های خلاف قانون و نقش نظارتی هیئت در حفظ حقوق شهروندان، لزوم رعایت اساس تناظر از سوی این هیئت سابقاً در معرض تردیدهای جدی قرار داشت به نحوی که گاه برخی از آیین‌نامه‌های دولتی ابطال می‌شد بدون آنکه مرجع دولتی ذی‌ربط از طرح چنین شکایتی آگاه شده و فرصت پاسخگویی در این خصوص را پیدا کرده گردد (حسین زاده، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۵)

حق استماع مورد توجه قانونگذار در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری بوده اما در برخی موارد از قبیل نحوه اخذ توضیح از اصحاب دعوا یا اشخاص ثالث، اعمال طرق شکایت نسبت به آرای شعب دیوان و نحوه رسیدگی به آن، صدور دستور موقت، اصلاح موضوع شکایت (خواسته)، ترتیب نقض آرای شعب دیوان به واسطه اعلام اشتباه یا مخالفت با شرع و یا قانون و همچنین، در خصوص نحوه رسیدگی به دعاوی موضوع رأی ایجاد رویه، ابهامات و نقایصی در متن قانون وجود داشت که می‌تواند به نقض اساس تناظر و حق استماع منجر شود. لازم می‌باشد دیوان تشخیص خود را به اطلاع اصحاب دعوا رسانیده و فرصت مناقشه در این خصوص به آنها اعطا نماید. اتخاذ چنین ترتیبی مطلوب به نظر می‌رسد، لیکن مادام که نص قانونی خاصی در این زمینه وضع نشده باشد، تحمیل آن بر قضات امکان پذیر نخواهد بود. به علاوه، هرچند که مفاد اجمالی اساس تناظر در دادرسی اداری ایران پذیرفته شده و دامنه آن به مرور توسعه می‌یابد لیکن حق استماع شدن در زمینه تصمیمات اداری هنوز جایگاه روشنی نداشت و خلأ ناشی از فقدان این حق کماکان احساس می‌شود (حیدری، ۱۳۹۶، ۱۱۰)

نتیجه‌گیری:

بنابر قواعد فضایل اخلاقی قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که قواعد فضایل اخلاقی و قواعد دادرسی متعددی در این قانون مغفول واقع شده که عبارت‌اند از:

عدالت توزیعی به عنوان یکی از قواعد فضایل اخلاقی به معنای تساوی اقشار و اصناف جامعه در بهره‌مندی از امکانات دولتی است، اینکه تشکیلات دیوان عدالت اداری در تهران مستقر گردد و شهرستان‌ها فاقد چنین نهادی باشند مصداق بارز نقض عدالت توزیعی می‌باشد چراکه دادخواهی از این تشکیلات برای اهالی شهرستان‌ها مستوجب هزینه و بعد مسافت و صرف زمان و ... است.

عدم پیش‌بینی وکیل معاضدتی و مشاوره حقوقی رایگان در این حوزه می‌تواند زمینه ساز تضییع حقوق مراجعین دیوان گردد لذا بنابر اساس فضایل اخلاقی احسان بر ضعفا لازم می‌باشد که وکیل معاضدتی و مشاوره حقوقی رایگان در اختیار مراجعین بی‌بضاعت قرار گیرد.

روند غیرحضور دادرسی در دیوان و همچنین حجم زیاد پرونده‌ها و کمبود نیروی انسانی و پیچیدگی دعاوی اداری موجب اطاله دادرسی شده از این حیث قواعد فضایل اخلاقی تسریع در امور خیر مورد توجه مقنن نبوده

در دروس فضایل اخلاق اسلامی بر این اساس مهم تأکید فراوان شده که مومن نباید خود را در موضع اتهام قرار دهد اما این اساس در دیوان مغفول واقع شده چراکه روند رسیدگی به دعاوی در دیوان عدالت اداری غیرحضور می‌باشد به تبع غیر علنی هم برگزار خواهد شد. لذا همین امر زمینه را جهت اتهام و سوءظن به دادرسان دیوان فراهم می‌نماید .

بنابر قواعد فضایل اخلاقی قضاوت ناآگاهانه مذموم بوده که به نوعی دلالت بر لزوم استماع ادعای طرفین دعوا و تناظر آنها داشت ، با توجه به نحوه اخذ توضیح از اصحاب دعوا یا اشخاص ثالث در دیوان ، اعمال طرق شکایت نسبت به آرای شعب دیوان و نحوه رسیدگی به آن، صدور دستور موقت و همچنین در خصوص نحوه رسیدگی به دعاوی موضوع رأی ایجاد رویه، ابهامات و نقایصی در متن قانون وجود داشت که می‌تواند به نقض اساس تناظر و حق استماع منجر شود.

قواعد دادرسی ریشه در قواعد فضایل اخلاقی داشته و همسو با این قواعد می‌گردد مانند اساس برابری سلاح که همسو و متناسب با اساس فضایل اخلاقی معاضدت بر ضعف بوده و اساس لزوم پذیرش شکایت که ریشه در اساس فضایل اخلاقی یاری‌رساندن بر مظلوم و استماع دادخواهی آنها داشت و همچنین اساس تسریع در رسیدگی مبتنی بر اساس تسریع در خیر و زوال شر است. سایر قواعد دادرسی مانند علنی بودن دادرسی و اساس تناظر و اساس حضوری بودن دادرسی به نحوی برگرفته از قواعد فضایل اخلاقی می‌باشند که نادیده گرفتن آنها موجب نادیده گرفتن اساس القواعد فضایل اخلاق، یعنی اساس عدالت و برابری، می‌گردد. بی‌توجهی مقنن به این قواعد موجب بروز نواقص و ایراداتی بوده که به آنها اشاره شد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد قانون مبتنی بر فضایل اخلاق می‌تواند مورد پذیرش و اقبال عمومی قرارگیری چراکه سازگار با فطرت و عقاید افراد جامعه می‌باشد از این رو خلأهای فضایل اخلاقی مذکور در دیوان موجب نارضایتی افراد جامعه می‌شود که لازم می‌باشد تدابیری جهت پوشش این خلأها صورت گیرد.

پیشنهادها

_ بهتر می‌باشد که فضایل اخلاق صراحتاً به‌عنوان یکی از منابع مستقل حقوق شناخته شود و در دانشکده حقوق به‌عنوان یک‌رشته مستقل - به نام فضایل اخلاق حقوقی یا حقوق فضایل اخلاقی - مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا با شناخت قواعد و قواعد فضایل اخلاقی ملاک و خط مشی برای وضع قوانین فضایل اخلاقی و عوام‌پسند ، به دست آید.

_ چون فضایل اخلاق دارای ثبات و مبانی‌ای کلی می‌باشد می‌تواند منبع مستقلی برای وضع قوانین اداری گردد و موجب کاهش اختلاف‌نظرها قرار گیرد.

با عنایت مقنن به قواعد و مبانی فضایل اخلاقی می‌توان قوانینی وضع نمود که به سادگی مورد پذیرش و استقبال جامعه قرارگیری.

منابع و مأخذ

کتاب فارسی

قران کریم

- افلاطون. جمهور. ترجمه فؤاد روحانی. ناشر: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶، چاپ پنجم، تهران
- اسمیت. روناک، قواعد حقوق بین‌المللی انسان. ترجمه فاطمه کیهانلو. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، چاپ دوم، تهران.
- بجنوردی. سیدمحمد. مقالات اصولی. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۵، چاپ سوم، تهران.
- بوشهری. جعفر، حقوق اساسی. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش. ۱۳۷۶، چاپ اول، تهران.
- دورکیم. امیل، تقسیم کار. مترجم باقر پرهام. تهران انتشارات مرکز ۱۳۸۹، چاپ ششم، تهران.
- دهخدا. علی اکبر. لغت نامه. تهران. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۲، چاپ اول، تهران.
- راسل. برتراند، فضایل اخلاق و رسالت در جامعه. ترجمه: دکتر محمود حیدریان. تهران: نشر بابک. ۱۳۷۵، چاپ اول، تهران.
- ساکوچی. آندرا، حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه. مترجم: مینا سینپور. تهران: وزارت امور خارجه ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران.
- شریف‌الرضی. محمدبن حسین، نهج البلاغه. مترجم: محمد دشتی. چاپ: ۳۲. قم: نشر الهادی. ۱۳۸۷، چاپ اول، تهران.
- شمس. عبدالله، آیین دادرسی مدنی. دوره پیشرفته. جلد نخست. انتشارات دراک. ۱۳۸۶، چاپ ششم، تهران.
- علی آبادی. عبدالحسین؛ حقوق جنائی. انتشارات سمت. ۱۳۸۹، چاپ هشتم. تهران
- طباطبائی. محمدحسین، تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۳۸۶، چاپ ششم، تهران.
- کاپلستون. فردریک. تاریخ فلسفه. ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبی. جلد ۱. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶، چاپ دوم، تهران.
- کاتوزیان ناصر.، فلسفه ی حقوق. تهران: دانشگاه تهران ۱۳۹۴ چاپ شانزدهم. تهران.
- _____ . مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. چاپ ۱۰۴. ناشر: شرکت سهامی انتشار ۱۳۹۵ چاپ دهم. تهران.
- مطهری. مرتضی. فلسفه فضایل اخلاق. تهران. انتشارات صدرا ۱۳۷۲ چاپ شانزدهم. تهران.
- _____ . بیست گفتار. تهران: صدرا. ۱۳۸۵ چاپ دهم. تهران.
- هاشمی. سید محمد. حقوق انسان و آزادی‌های اساسی. نشر دادگستر. ۱۳۸۴ چاپ اول. تهران.
- هاشمی شاهرودی. سید محمود؛ آیین دادرسی از دیدگاه امام علی؛ چاپ اول. قم: معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه. ۱۳۸۳، چاپ اول. تهران.
- همتی. مجتبی. حقوق شهروندی و نسل دوم حقوق انسان. انتشارات خرسندی ۱۳۹۳ چاپ ششم. تهران.
- کتاب عربی:**
- ابن مسکویه. تهذیب الفضایل اخلاقی و تطهیر الفضایل اخلاق؛ اصفهان: انتشارات مهدوی. ۱۴۱۴، چاپ دوم، قم.
- ابن‌میثم. علی، شرح نهج البلاغه. مترجمان: سید محمد صادق عارف و حبیب روحانی. ناشر: بنیاد پژوهش‌های شرعی آستان قدس رضوی ۱۳۹۰. چاپ: ۴، قم.

الکاشانی، الفیض، راه روشن، ترجمه المحجّة البيضاء، جلد ۶، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ق.م.

کلینی، محمد بن یعقوب، قواعد کافی، مترجم: حسین استاد ولی، ناشر دارالکتب، ۱۳۹۰، ق.م.

محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، نشر شرعی ۱۳۸۶ چاپ چهارم، ق.م.

طباطبائی (سید بحر العلوم)، محمد مهدی، رساله سیر و سلوک (تحفۀ الملوک)، انتشارات علامه طباطبائی، ۱۴۱۸ چاپ چهارم، ق.م.

مقالات:

امامی، محمد و دهقان، فرشته نظارت درونی سلسله مراتبی بر دستگاه های اداری در نظام حقوقی ایران، مجله مطالعات حقوقی (۱۳۹۲)، شماره اول، شماره ۱، صفحات ۱-۲۳.

زارعی، محمدحسین، «تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون»، مدیریت دولتی، (۱۳۷۶) شماره ۳۸، صفحات ۴۴-۲۷.

حسین زاده، جواد، «دادرسی تناظری در ابطال آیین نامه های دولتی خلاف قانون»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، (۱۳۸۶) دوره ۱۱، شماره ۴، صفحات ۱۰۳-۸۳.

حیدری سیروس، اساس تناظر در دادرسی اداری با تأکید بر دادرسی دیوان عدالت اداری، فصلنامه مطالعات حقوقی، (۱۳۹۶)، شماره ۱۲، صفحات ۸۳-۱۱۶.

حبیبی، بهنام، مفهوم اساس دسترسی به دادگستری، ویژگی و جلوه های آن، مطالعات حقوقی (۱۳۹۷) دوره ۱۰، شماره ۱، صفحات ۶۱-۹۰.

شمس، عبدالله، اساس تناظر، مجله تحقیقات حقوقی، (۱۳۸۱) شماره ۳۶، صفحات ۵۹-۸۶.

علی خانی، اسماعیل، فضایل اخلاق در آیین یهود، معرفت فضایل اخلاقی (۱۳۸۹) سال اول، شماره سوم، صفحات ۶۵-۹۴.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، مقاله عدالت و حقوق، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۰، صفحات ۳۴-۷۷.

فلاح زاده، علی محمد، تحولات حق استماع در حقوق اداری انگلستان و ایران، اساس تناظر در دادرسی اداری با تأکید بر دادرسی دیوان عدالت اداری، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، (۱۳۹۲)، شماره ۴۱، صفحات ۲۰۶-۱۶۹.

مصباح یزدی، محمد تقی، لزوم اجتناب از قضاوت های عجولانه، فصلنامه معرفت، (۱۳۸۸)، شماره ۱۱، صفحات ۷-۲۱.

همتی، مجتبی؛ داودی، غلامرضا، مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (شرع، ایران، امریکا و چین) در پرتو قواعد بنگلور، مجله: مطالعات حقوقی (۱۳۹۶)، شماره ۲، صفحات - از ۲۷۷ تا ۳۱۰.

یاوری، اسدالله، «از حقوق کیفری تا قلمرو کیفری: تسری تضمینات کیفری در دادرسی منصفانه به رسیدگی های شبه کیفری»، مجله مطالعات حقوقی، (۱۳۹۴)، دوره هفتم، شماره ۲، صفحات ۵۴-۷۶.

یاوری، اسدالله، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، فصلنامه حقوق اساسی، (۱۳۸۳)، شماره ۲، صفحات ۳۳-۵۴.